تحلیل عکس «اندوه» اثر دیمیتری بالترمانتس

مریم‌سادات میرحسنی[۱*]

۱. کارشناسی ارشد تصویرسازی دانشکده هنرهای تجسمی. دانشکدگان هنرهای زیبا. دانشگاه تهران. تهران. ایران.

[تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲]

چکیده

عکاسان روسی همواره از فعال‌ترین عکاسان در عرصهٔ عکاسی خبری در طول جنگ جهانی اول و دوم بوده‌اند و عکس‌های ثبت شده آن‌ها نقش به‌سزایی در ارایهٔ گزارشی مصور و زنده از وقایع جنگ و اوضاع مردم در آن زمان داشتند. در این میان، دیمیتری بالترمانتس، عکاس خبری برجستهٔ شوروی است که عکس‌هایش برای بیش از ۵۰ سال زندگی مردم عادی روسیه آن زمان را به تصویر می‌کشد. بالترمانتس که زندگی‌اش همواره مقارن با جنگ بوده است، در جنگ شرکت داشت و در اوکراین ، لهستان و آلمان جنگید و برخی از مهم‌ترین نقاط عطف جنگ را با عکس‌هایش به ثبت رساند. «اندوه» معروف‌ترین عکس بالترمانتس است که ۲۳ سال پس از جنگ منتشر شد و در سال ۱۹۶۵ شهرت جهانی یافت. این عکس، سوگ مردمانی را که به دنبال جنازه عزیزان خود هستند، گزارش می‌دهد. این مقاله با گذری بر زندگی و موقعیت بالترمانتس در جنگ، به نقد و تحلیل معروف‌ترین عکس او یعنی «اندوه» می‌پردازد. عکس «اندوه» اثری موفق در انتقال غم و رنج ناشی از جنگ و مصداقی بارز از ظلم و شر است. این تحقیق از منظر هدف، کاربردی است و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده‌است. اطلاعات نیز به شیوه کتابخانه‌ای به‌دست آمد.

واژه‌های کلیدی

عکاسی خبری، جنگ جهانی، دیمیتری بالترمانتس، اندوه.

* نویسنده مسوول: Email : msm.rainy@gmail,com، تلفن: ۰۹۱۲۸۳۱۳۸۰۷

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-10-09]

مقدمه

از زمان ثبت نخستین عکس تاریخ چیزی قریب به ۱۹۰ سال می‌گذرد و در گذر زمان با پیشرفت تکنولوژی همواره دامنه وسیع‌تری از قابلیت‌های این‌گونهٔ هنری برای بشر آشکار می‌شود. وجود عکس در تبلیغات، صنعت، روزنامه‌نگاری، مقاله‌نویسی و هم‌چنین در زمینه‌های مختلف علوم پزشکی، فیزیک، جانورشناسی، سینما، نجوم، اسناد تاریخی، اجتماعی و خبررسانی کاربرد بی‌سابقه‌ای داشته‌است. اما با این حال وظیفهٔ اصلی عکس ثبت لحظه بوده است و به‌گونه‌ای تداوم یک موضوع در قالب دیدن را برای ما ممکن می‌سازد. چنین عکس‌هایی در لحظه‌هایی حساس و چه بسا خطرناک ثبت می‌شوند و جنبه‌ای خبری و مستند پیدا می‌کنند و همین آن‌ها دارای اهمیت ویژه‌ای می‌کند. اگرچه جنگ همواره مورد نفرت انسان‌ها و جوامع بشری بوده‌است، زمانی که به دلایل مختلف آغاز می‌شود می‌تواند موضوع یک عکس قرار گیرد و نقش مهمی را در مستند کردن وقایع ایفا کند. از نمونه‌های بارز عکاسی در جنگ، عکس‌های باقی‌مانده از عکاسان روسی است که در ارایهٔ گزارشی مصور و زنده از وقایع جنگ و اوضاع مردم در آن زمان، نقش به‌سزایی داشته‌اند و به لحاظ تاریخی حائز اهمیت‌اند. از میان این عکاسان، دیمیتری بالترمانتس[1]، عکاس لهستانی از فعال‌ترین عکاسان چه در طول جنگ جهانی دوم و چه بعد از آن بوده‌است، به‌طوری‌که مجموعه عکس‌های او تاریخی مصور از اوضاع سیاسی و زندگی ملتی که در دوره‌ای خاص می‌زیسته‌اند ارا یه می‌دهد. عکس‌های خبری بالترمانتس با جذابیت زیبایی‌شناسی، عکاسی او از برخی از مهم‌ترین نقاط عطف جنگ از جمله شکست آلمان در نزدیکی مسکو، دفاع از سواستوپل، نبرد استالینگراد و... است. بیرون آمدن او از جنگ به‌عنوان یکی از عکاسان جوان با استعداد و درخشان جنگ و در نهایت نقش او و نمایشگاه‌های متعددش، در پیش‌برد اهداف فرهنگی کشور مطبوعش در ابعاد بین‌المللی خدمت بزرگی محسوب می‌شد و میراثی ماندگار در جهت حفظ و ثبت فرهنگ و زندگی روزمره مردم عادی بر جای می‌گذاشت و هم‌چنین زمینه‌های شکل‌گیری تحقیقی در مورد یکی از مهم‌ترین و مشهورترین عکس‌های او را فراهم آورد. مشهورترین عکس‌های او در کرچ کریمه[2] ساخته شد که در آن هزاران نفر به قتل رسیدند و از این میان عکس «اندوه» ــ نام‌آورترین عکس بالترمانتس ــ که سال‌ها پس از جنگ در سال ۱۹۶۵ منتشر شد او را به شهرت جهانی رساند. این عکس از اولین عکس‌هایی است که از صحنهٔ کشتار یهودیان به‌عنوان نژاد دشمن به دست آلمان و حزب نازی به ثبت رسید. اگرچه بالترمانتس عکس‌های زیادی در کرچ به ثبت رساند، در میان آن‌ها این عکس به اثری ماندگار تبدیل شد که سوگ مردمانی که به دنبال جنازه عزیزان خود هستند و مصداقی بارز از ظلم و شر را نشان می‌دهد با زیبایی‌شناسی هنری خود به ثبت رساند. از طرفی فقدان وجود پژوهشی جامع از یکی از مهم‌ترین آثار این هنرمند بزرگ، زمینه شکل‌گیری تحقیق پیش‌رو را فراهم آورد. این تحقیق گزارشی از زندگی و موقعیت بالترمانتس، مجموعه فعالیت‌ها و همکاری‌هایی که داشته‌است ارایه می‌دهد و پس از آن به نقد و بررسی ویژگی‌های مشهورترین اثر او، «اندوه» می‌پردازد.

روش تحقیق

در این تحقیق، عکس «اندوه» با تکیه بر نقد فرمالیستی و با رویکردی توصیفی_تحلیلی مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفته‌است. گردآوری اطلاعات در این مسیر از طریق مقاله‌ها و پایگاه‌های اینترنتی صورت گرفته‌است.

پیشینه تحقیق

در رابطه با این موضوع مقالات چندانی وجود ندارد و بیشتر به‌صورت ضمنی در بطن موضوعی دیگر به آن اشاره شده‌است. اما در این میان مقاله‌ای که با قوت بیشتری به نقد و بررسی عکس «اندوه» پرداخته‌است می‌توان به مقاله «تصویر غم: عکاسی هولوکاست شوروی در تقاطع تاریخ و حافظه» (۲۰۱۰)، نوشته دیوید شینر منتشر شده در ژورنال آکسفورد اشاره کرد که بیشتر از خود عکس به فرامتن عکس «اندوه» پرداخته‌است.

آشنایی با هنرمند

یکی از برجسته‌ترین عکاسان روسی دیمیتری بالترمانتس است. بالترمانتس، عکاس خبری برجستهٔ شوروی، در ۳ ماه می ۱۹۱۲ در وارسای لهستان متولد شد. شروع سال‌های زندگی او با شروع جنگ جهانی اول همراه شد. تقارن زندگی دیمیتری با جنگ جهانی اول و دوم

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-10-09]

مضامین و موضوعات اصلی آثار او را دربرگرفت. پدر او گریگوری استولوویتسکی[۳]، افسر ارتش امپراتوری روسیه و مادرش از خانواده‌ای روشن‌فکر از لهستان بود. پدر و مادر دیمیتری وقتی که او تنها سه سال داشت از یکدیگر جدا شدند. اندکی پس از طلاق آن‌ها، مادرش با وکیلی به نام نیکولای بالترمانتس[۴] ازدواج که او دیمیتری را به فرزندی خود قبول کرد. به این ترتیب، نام بالترمانتس را به دیمیتری داد. جنگ جهانی اول پدر دیمیتری را از او گرفت و خانواده بالترمانتس را در سال ۱۹۱۵ از لهستان به مسکو راند. لذا کودکی دیمیتری با نابسامانی‌های کشوری و جهانی و انحلال مدنی، انقلاب‌ها، جنگ‌های داخلی و سازماندهی مجدد دولت، دارایی‌ها و جامعه همراه شده بود. در این مدت دیمیتری به همراه مادرش که به چندین زبان مسلط بود و به‌عنوان تایپیست کار می‌کرد، در یک آپارتمان کوچک زندگی می‌کردند (URL 2). دیمیتری پس از ترک دبیرستان مشاغل گوناگونی را امتحان کرد از جمله در فعالیت‌های خروجی پایانی طراحی‌های معماری، کار به‌عنوان مکانیک سینما و شاگردی چاپخانه ایزوستیا[۵] کار کرد. در همین چاپخانه به عکاسی علاقه‌مند شد. چاپخانه او را برای تحصیل در رشته ریاضیات به دانشگاه دولتی مسکو فرستاد. دیمیتری پس از فارغ‌التحصیلی در سال ۱۹۳۹ به تدریس ریاضی در آکادمی نظامی مشغول شد.و در آن‌جا درجه کاپیتان را دریافت کرد. چند ماه بعد ایزوستیا او را برای پوشش خبری تهاجم شوروی به لهستان، به اوکراین غربی فرستاد (همان).

نخستین گزارش تصویری او موضوع سربازان شوروی از غرب اوکراین بود که دیمیتری در پی انتشار این مجموعه و ارایهٔ توضیحات اشتباه در مورد یکی از عکس‌ها تنبیه و به بیمارستان منتقل شد. بعد از ترخیص دوباره به خط مقدم نبرد رفت و تا آخرین روز جنگ همان جا ماند (URL 3). اگرچه عکسی از آن دوره باقی نماند، آینده بالترمانتس از همین‌جا زمانی که او ۲۷ سال سن داشت رقم خورد. این یک آغاز برای حرف‌های طولانی مدت در عکاسی خبری برای بالترمانتس بود (URL 2).

بالترمانتس در جنگ جهانی دوم

«ما عکاسان عکس‌های باشکوهی از جنگ‌ها، آتش‌سوزی‌ها، زلزله‌ها و قتل‌ها می‌گیریم، غم و اندوه بشریت. ما دوست داریم عکس‌هایی در مورد شادی، نشاط و عشق ببینیم، اما با همان سطح کیفیت. با این حال، متوجه هستم که این کار دشواری است» (URL 1) جنگ همواره مورد نفرت انسان‌ها و جوامع بشری است اما زمانی که به دلایل مختلف آغاز می‌شود فرار از آن اجتناب‌ناپذیر است. در این‌گونه مواقع می‌تواند موضوع یک عکس قرار گیرد و هنرمند عکاس اگرچه در موقعیت‌های خطرناک و حساس ثبت لحظه می‌کند، نقش مهمی در مستند کردن وقایع دارد. عکاسان روسی لحظات جنگ را در سال‌های ۱۹۴۵ الی ۱۹۴۱ به تصویر کشیدند. این عکس‌ها در لحظات بحرانی و خطرناک ثبت می‌شد. مثلا نبرد در استالینگراد[۶]، خیابان به خیابان و تن به تن بود. فیلم‌برداران به ناچار از روی شانهٔ سربازان فیلم‌برداری می‌کردند. برخی گفته‌اند که مجموعهٔ عکس‌های گرفته شده در اوایل جنگ ضعیف است. این به دلیل آن است که عکاسان روسی برای استفاده از دوربین‌های خود، بیشتر مشغول جنگیدن بودند (URL 5). بالترمانتس شهرت اولیه خود را از عکس‌های جنگ جهانی دوم که در جبهه روسیه گرفته بود، به‌دست آورد. او از برخی از مهم‌ترین نقاط عطف جنگ عکاسی کرد از جمله شکست آلمان در نزدیکی مسکو، دفاع از سواستوپل[۷]، نبرد استالینگراد[۸] و آزادسازی جنوب اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی. مشهورترین عکس‌های او در کرچ کریمه ساخته شد که در آن بیش از ۱۷۶ هزار نفر کشته شدند (URL 1). بالترمانتس درست مانند سایر همکاران عکاس خود در جنگ شرکت می‌کرد. او نبرد استالینگراد را برای چاپخانه ایزوستیا و هم‌چنین روزنامه ارتش سرخ پوشش خبری می‌داد (URL 4). اکثر عکاسان روسی در جنگ جهانی دوم در سنین جوانی بودند و حدود ۲۰ سال داشتند. بیشتر آن‌ها تجربهٔ کمی از عکاسی داشتند. آن‌ها در جنگ شهرت یافتند و بسیاری از آن‌ها بعدها به‌طور حرفه‌ای به عکاسی پرداختند (URL 5). بالترمانتس نیز همواره در جنگ شرکت داشت و در اوکراین ، لهستان و آلمان جنگید و عکاسی کرد. در ۱۹۴۵ به برلین رسید و در طول این مدت دوبار زخمی شد (URL 2). لیپسکروف، ماکس آلپرت[۹]، بوریس کودوجاروف[۱۰]، میخائیل تراخمان[۱۱] از دیگر عکاسان روسی در طول جنگ هستند که به‌واسطهٔ

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-10-09]

تصویر۱. دیمیتری بالترمانتس، حمله، ۱۹۴۱، منتشر شده در ۱۹۶۰ چاپ نقره‌ای ژلاتینی، ۳۴×۵۲ سانتی‌متر (URL4).

عکس‌هایشان شهرت جهانی یافتند (همان ۵).

«روس‌ها به عکاسان خود افتخار می‌کنند، زیرا این عکس‌ها تقریباً با دوربین ۳۵ میلی‌متری لایکا[۱۲] گرفته شده و عکاسان در حال دویدن عکس گرفته‌اند. در عین حال درعکس‌ها، احساس ثبت لحظه‌ها و درگیری مشهود است. عکاسان و فیلم‌برداران خبری، به محض آغاز جنگ، دوش به دوش سربازان جبهه فعالیت داشتند» (URL 5). بسیاری از این عکس‌ها به علت اهمیت بالایی که در طول جنگ پیدا کردند بارها در مطبوعات روسی چاپ شدند و گاه از برخی از آن‌ها پوستری طراحی می‌شد و به‌عنوان نماد ارتش روس ارایه می‌گردید. البته در کنار این موضوع، همان‌طور که پیش از این مطرح شد، بسیاری دیگر از عکس‌ها نیز به دلایل سیاسی و امنیتی سانسور می‌شدند و سال‌ها پس از جنگ عمومیت یافتند. عکس‌های بالترمانتس همیشه توسط نیروهای شوروی سانسور می‌شد چرا که با هدف حفظ روحیه، عکس‌هایی را انتخاب و اجازه پخش می‌دادند که به جنبه‌های مثبت خدمات آن‌ها اشاره داشت. لذا بسیاری از گیراترین عکس‌های بالترمانتس سرکوب شدند تا این‌که بعدها در دهۀ ۱۹۶۰ عمومیت پیدا کردند و فراگیر شدند. «حمله»[۱۳] و «در جاده‌های غم»[۱۴]، از معروف‌ترین عکس‌های او بودند که پس از جنگ در دهۀ ۱۹۶۰ منتشر شدند. «اندوه»[۱۵] از عکس‌های بسیار معروف بالترمانتس است که قتل‌عام یهودیان در سال ۱۹۴۲ توسط حزب نازی را نشان می‌دهد؛ عکسی که پس از ۱۸ در سال ۱۹۶۰ منتشر شد. با این حال بالترمانتس به‌عنوان یکی از عکاسان جوان با استعداد و درخشان جنگ از جنگ بیرون آمد.

فعالیت‌های بالترمانتس پس از جنگ جهانی دوم

بالترمانتس یکی از عکاسان برجسته در اتحاد جماهیر شوروی بود که پس از جنگ، برای نخستین نشریه مصور در روسیه به نام اوگونیوک[۱۶] به‌عنوان عکاس

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-10-09]

تصویر۲. دیمیتری بالترمانتس، در جاده‌های غم، ۱۹۴۱، منتشر شده در ۱۹۶۰ چاپ نقره‌ای ژلاتینی، ۴۰×۲۸ سانتی‌متر(URL4).

خبری (فتوژورنالیست) استخدام شد و در نهایت در هیات تحریریه خدمت کرد و از همین‌جا با شروع همکاری با این نشریه، نام بالترمانتس کاملا شناخت شد. کمونیست‌ها که به کاربرد عکس به‌عنوان یک رسانه برای اهداف تبلیغاتی‌شان پی برده بودند، از بالترمانتس خواستند که مجموعه عکسی را برای آن‌ها تهیه کند و در آن‌ها نشان دهد که جامعهٔ کارگری در جامعهٔ کمونیستی بسیار پربازده و در عین حال خرسنداند. در نتیجه او سفری را به سراسر روسیه آغاز کرد تا این موضوع را به شکل باشکوهی ثبت کند. در سال ۱۹۴۹ او به سمت عکاس رسمی کاخ کرملین منصوب شد و به ژوزف استالین[۱۷] نزدیک شد و هم‌زمان برای ایزوستا، روزنامه پخش گسترده روازنه در روسیه، کار می‌کرد. پس از مرگ استالین که خروشچوف[۱۸]جایگزین او شد، بالترمانتس به جایگاه بالاتری رسید و با دیدار از کشورهایی مانند چین، هند و ویتنام و... کارهایش به مرزهای فراتر از شوروی گسترش یافت. در سال ۱۹۶۵ با سقوط خرشچوف تغییرات لیبرالی متوقف شد، اما به دلیل نفوذ مدیرانش، نشریه اوگونیوک هم‌چنان به حیاتش ادامه داد. لذا بالترمانتس با سفر به سراسر شوروی، این تغییرات را ثبت کرد. در این اثنا بالترمانتس در زمینه توسعه یافتن اقتصاد و موفقیت ورزشکاران کشورش در المپیک، عکس‌هایی در این وقایع به ثبت رساند. در سال ۱۹۶۹ فرصت مناسبی برای بالترمانتس برای ارایهٔ آثارش خارج از مرزهای شوروی در لندن فراهم شد. در سال ۱۹۸۵ با روی‌کارآمدن میخائیل گورباچوف[۱۹]، بالترمانتس بخش‌های جدیدی مانند ستون نامه‌ها و گزارش‌های کامل‌تر خبری را به مجله اوگونیوک اضافه کرد(URL 3). بالترمانتس در طول این سال‌ها از همهٔ رهبران شوروی از استالین گرفته تا گورباچوف عکاسی کرد (URL 2). آرتور روتشتاین[۲۰]، عکاس، در جمع‌بندی شهرت بالترمانتس اعلام کرد که «بالترمانتس نماینده بهترین عکس‌های خبری شوروی است. او موفق می‌شود عکس‌های خبری

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-10-09]

تصویر۳. [این صفحه]
دیمیتری‌بالترمانتس،
از روزهای اندوه
(از مجموعه عکس‌های کرچ)،
۱۹۴۲،
منتشر شده در ۱۹۶۰،
چاپ نقره‌ای ژلاتینی،
۳۱/۳*۴۶/۲ سانتی‌متر
(URL6).

تصویر۴. [صفحهٔ روبرو].
دیمیتری بالترمانتس،
زنی که به دنبال همسر خود می‌گردد
(از مجموعه عکس‌های کرچ)،
۱۹۴۲،
منتشر شده در ۱۹۶۰،
چاپ نقره‌ای ژلاتینی،
۳۰/۸*۴۶/۵ سانتی‌متر
(URL6).

با جذابیت زیبایی‌شناسانه تولید کند» (URL 1).

«برای بیش از ۵۰ سال، عکس‌های بالترمانتس تنها تصاویری بودند که زندگی مردم عادی روسیهٔ آن زمان را به تصویر می‌کشیدند. نمایشگاه‌های متعدد او، در پیش‌برد اهداف فرهنگی کشور مطبوعش در ابعاد بین‌المللی خدمت بزرگی بود و میراثی ماندگار در جهت حفظ و ثبت فرهنگ و زندگی روزمره مردم عادی، و نیز در توسعه و بسط تنوع قومی در سراسر قلمرو امپراطوری گسترده روسیه کبیر آن‌زمان، به حساب می‌آید. دیمیتری بالترمانتس لقب "چشم ملت" را از آن خود کرد چراکه این توانایی را داشت که نگاه هنرمندانه‌اش را با شرایط جنگی و نظامی کشورش در زمان خود وفق دهد و عکس‌هایش شواهدی زنده از خواسته‌های اجتماعی، سیاسی و رویاهای یک ملت باشد» (URL 3).

اولین نمایشگاه شخصی او بعد از جنگ و در خارج از کشور در لندن در سال ۱۹۶۴ برگزار شد. همان سال او ویرایش‌گر عکس در مجله اوگونیوک بود. اعتبار او در دنیای عکاسی در طول سال‌ها افزایش یافت و به‌عنوان رییس بخش عکاسی مرکز انجمن دوستی با ملل خارجی و به‌عنوان نمایندهٔ اتحاد جماهیر شوروی در رویدادهای بین‌المللی عکس فعالیت کرد ((URL 2.

بالترمانتس در اواخر عمر خود به عفونت کلیه دچار شد و در ۱۱ ژوئن ۱۹۹۰ در ۷۸ سالگی در مسکو درگذشت. او هم‌چنین به‌عنوان موضوع یک نمایشگاه یادبود در مرکز بین‌المللی عکاسی نیویورک در سال ۱۹۹۲ قرار گرفت

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-10-09]

(همان). بایگانی بزرگ و کاملی از عکس‌های او که شامل عکس‌هایی از دورهٔ مهمی در تاریخ روسیه است، هم‌اکنون توسط دخترش تاتیانا نگهداری می‌شود (URL 3).

ویژگی‌های عکس‌های بالترمانتس

عکس‌های بالترمانتس عموما صحنه‌هایی از جنگ و هیاهو را به تصویر می‌کشد. تضاد از بارزترین ویژگی‌هایی است که در آثار او در شکل‌های گوناگون گاهی در محتوا و گاهی در فرم بروز پیدا می‌کند. از مصداق‌های تضاد در آثار او، کنتراست تیرگی و روشنی است که در اغلب آثار او به چشم می‌خورد. به این صورت که خاکستری‌های میانه کاملا از بین رفته و برخی فرم‌ها با سطوح اطراف خود تلفیق شده‌اند به گونه‌ای که در برخی عکس‌های او قسمتی از تصویر کاملا خالی شده‌است و فضایی عاری از مکان و زمان ارایه می‌دهد مثلا در عکس «رو به جلو»[۲۱] کنتراست‌های تیرگی و روشنی در تصویر زمینه آن‌چنان به حداقل رسیده که موقعیت مکانی تصویر برای بیننده مشخص نیست و ما صرفا سربازانی را می‌بینیم که در حال دویدن به جایی نامعلوم هستند. در مقابل در کنار این کنتراست، محوشدگی یا کشیدگی نیز به‌صورت هم‌زمان در آثار او به چشم می‌خورد که بر رازآلود بودن و معمایی شدن آن می افزاید و جنبه های احساسی اثر را تقویت می‌کند. حرکت، از دیگر ویژگی‌های آثار بالترمانتس است که آن را در کشیدگی و محوشدگی‌ها و چیدمان فرم‌ها در کادر نشان می‌دهد.

بالترمانتس خود را در عکاسی صحنه‌پردازی[۲۲] خبره می‌دانست و از بازی با نگاتیو و افزودن جزییات به

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-10-09]

تصویر۵. دیمیتری بالترمانتس، اندوه، ۱۹۴۲، منتشر شده در ۱۹۶۰، ترکیبی از چهار عکس چاپ شده نقره‌ای ژلاتینی (URL2).

عکس‌های دیگر لذت می‌برد؛ مثلا عکس «اندوه» که در آن ابرهای سیاه و تهدیدآمیز در پس‌زمینه روی نگاتیو دیگری قرار گرفته بودند. ترکیب‌بندی‌های بی‌نقص او و استفاده تخصصی او از رنگ، مورد تحسین مقامات شوروی و مردم قرار داشت (URL 2). هنگامی که او در حال توسعه فیلم در نزدیکی کرچ بود، ظاهراً لکه‌های چسب به برخی از کاغذهای چاپ عکس چسبیده بود. وقتی آن‌ها را از هم جدا کرد، متوجه شد که در یک نوردهی لکه‌هایی باقی‌مانده است و البته نوردهی که او از همه بیشتر دوست داشت و عکسی را که معروف‌ترین عکس او می‌شد، رقم زد (شنیر، ۲۰۱۰: ۴۲-۴۴). اگرچه بالترمانتس ادعا می‌کند که این تصویر خاص را به دلیل آسیب تغییر داده‌است، برای عکاسان شوروی معمول بود که عکس‌های خود را در هر مرحله از فرآیند کار، از انتخاب یک صحنه قبل از گرفتن عکس گرفته تا تغییر دستی نگاتیوها و ایجاد چاپ ترکیبی از دو نگاتیو، تهیه کنند. عکس‌های خبری در هر مرحله از فرآیند تولید تغییر می‌کرد تا از نظر زیبایی‌شناختی جالب‌تر، از نظر بصری قدرتمندتر و از نظر سیاسی و ایدئولوژیکی مناسب‌تر شوند. مرزهای بین روزنامه‌نگاری خبری و عکاسی هنری تقریباً به خوبی در غرب در جنگ جهانی دوم مشخص نشده بود. این بدان معناست که صحنه‌ها، روشن یا تیره‌کردن نگاتیوها، برش دادن تصاویر، و افزودن یا کم کردن جزییات برای جذاب‌ترکردن یا از نظر سیاسی مناسب‌تر کردن یک عکس، حتی اگر به معنای تغییر اطلاعات کلیدی باشد، قابل قبول و اغلب تشویق می‌شود. در طول جنگ، افزودن دود یکی از متداول‌ترین دستکاری‌ها بود. عکس بالترمانتس در سال ۱۹۴۵ به نام «عبور از او»[۲۳] سربازان شوروی را به تصویر می‌کشد که توپخانه‌های سنگین را از میان رودخانه پوشانده شده‌است که در دود غلیظ ناشی از انفجارهایی که به نظر می‌رسد درست بالای آن‌ها قرار دارد، فرو می‌روند. او این دود را اضافه کرد تا تصویری قدرتمندتر ایجاد کند، تصویری که بر خطر قریب‌الوقوع و قهرمانی شوروی تأکید می‌کرد وقتی او نگاتیو آسیب دیده کرچ را برای نمایشگاه و انتشار تعمیر کرد، مطمئن شد که بهترین تصویر ممکن از «غم» را به نمایش می‌گذارد، تصویری که عملکرد جدید عکس را به‌عنوان یک مراقبهٔ جهانی در مورد فقدان، بهتر منعکس می‌کند (همان).

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-10-09]

نقد و بررسی عکس «اندوه» موقعیت و ماجرای مربوط به عکس

یکی از برنامه‌ها و اهداف اصلی آلمان و حزب نازی، یهودستیزی به‌عنوان نژاد دشمن بود. لذا به کشتار یهودیان می‌پرداخت. اولین عکس‌هایی که از چنین صحنه‌هایی توسط آزادی‌خواهان گرفته شد، از شهر کرچ، واقع در شبه‌جزیرهٔ کوچکی که به دریای آزوف در جنوب روسیه می‌ریزد، گرفته شد. این شهر یکی از اولین مکان‌هایی بود که سربازان، روزنامه‌نگاران و عکاسان شوروی آن‌چه را که اکنون هولوکاست[۲۴] می‌نامیم، با چشمان خود دیدند (شنیر، ۲۰۱۰: ۳۶).

ایلیا ارنبورگ[۲۵]، روزنامه‌نگار یهودی شوروی و یکی از مشهورترین نویسندگان شوروی دوران جنگ، در کتاب خود به نام «روسیه در جنگ»[۲۶] در سال ۱۹۴۳ روسیه در جنگ، جنایات آلمان در کرچ را چنین توصیف کرد: «آن‌ها مست از خون لهستانی‌ها، فرانسوی‌ها و صرب‌ها به روسیه آمدند؛ تشنه به خون پیران، دختران و نوزادان و خواهان مرگ آن‌ها. منظورم مرگ سربازان نیست، زیرا هیچ جنگی بدون قربانی نیست. من به چوبه‌ای اشاره می‌کنم که اجساد دختران روسی از آن آویزان است، و گودالی وحشتناک در نزدیکی کرچ که در آن کودکان روسی، تاتاری و یهودی دفن شده‌اند... خاطرهٔ آن‌چه را که ما تجربه کرده‌ایم، محو نمی‌شود» (همان). بالترمانتس در مصاحبه‌ای شرح داد که چگونه عکس‌های کرچ را گرفته است: «در پاییز ۱۹۴۱، آلمانی‌ها ۷۰۰۰ نفر از ساکنان- حزبی‌ها، کمونیست‌ها و یهودیان - را به سنگر بردند. آن‌ها کل خانواده ها را بیرون کردند؛ زنان، سالمندان، کودکان. همه آن‌ها را به یک خندق ضدتانک بردند و تیراندازی کردند». عکاسان و ویراستاران شروع به بیان داستان هولوکاست کردند؛ از جمله مجموعه عکس‌های بالترمانتس که تحت عنوان «ساکنان کرچ در جستجوی بستگان خود هستند»[۲۷] منتشر شد. دیدن مجموعه کامل عکس‌های بالترمانتس نشان می‌دهد که چگونه این عکاس برای ثبت بهترین تصویر از اندوه خود تلاش کرده‌است. تنها تعدادی از عکس‌های کرچ بالترمانتس در آن زمان در روزنامه‌ها یا مجلات منتشر شد. اما تصاویر او در طول جنگ به روش‌های دیگری دست‌به‌دست می‌شد (همان: ۳۷-۳۸).

بعد از جنگ برخی از عکس‌های جنایت نازی‌ها که خشم مردم شوروی را در طول جنگ برانگیخته بود، دوباره در مطبوعات جهان شوروی و کمونیستی ظاهر شد و برای اولین بار در نمایشگاه‌ها به‌عنوان عکس هنری به نمایش درآمد. این تصاویر دیگر مستند جنایات نبودند، اما اکنون بخشی از فرآیند ایجاد حافظه جنگ بودند. در ژانویه ۱۹۶۵، برای بزرگداشت بیستمین سالگرد پایان جنگ، اوگونیوک کتاب «فراموش نخواهیم کرد»[۲۸] را منتشر کرد و در همین کتاب از عکس «اندوه» بالترمانتس که در مورد زن گریانی در کرچ به نام ایوانوا[۲۹] که به دنبال جسد شوهرش بود، برای عنوان کتاب استفاده کرد. حرفهٔ عکاسی دوران جنگ در دورهٔ پس از جنگ سر به فلک کشیده بود و در سال ۱۹۶۱ بالترمانتس ویرایش‌گر عکس اوگونیوک شد. بالترمانتس کسی بود که در شکل دادن به حافظهٔ بصری جنگ تاثیر به‌سزایی داشت و احتمالاً همان کسی بود که این مجموعه را سامان‌دهی کرد. اگرچه این عکس کمی متفاوت از عکسی بود که در ابتدا در طول جنگ منتشر شد، این اولین باری بود که هر یک از عکس‌های کرچ بالترمانتس از زمان جنگ در اتحاد جماهیر شوروی منتشر می‌شد. در همان‌زمان به نظر می‌رسید که بالترمانتس این عکس را در آلمان با عنوانی که به تازگی اضافه شده‌است یعنی «غم» به نمایش گذاشت. نام این عکس در اوایل دههٔ ۱۹۶۰ از هنرمند ایتالیایی کایو گاروبا[۳۰] گرفته شد که اولین بار زمانی که در مسکو به دنبال تصاویری برای برپایی نمایشگاه گسترده‌ای که در مورد جنگ بود، آن را دید و این نام را برای عکس گذاشت. «غم» اولین بار در سال ۱۹۶۳ در نشریهٔ مصور «چک، پرها_مسکوا»، به چاپ رسید که مجموعه‌ای از عکس‌های بالترمانتس را در نسخهٔ ژانویه خود منتشر کرد (شنیر، ۲۰۱۰ :۴۲). پس از گذشت ۲۰ سال از انتشار «اندوه» ایوانووا در این عکس، به عنوان یک عکس هنری و به معنای واقعی کلمه غم و اندوه، دیگر به صراحت بر آن‌چه آلمان‌ها در طول جنگ انجام دادند، تمرکز نمی‌کرد، اکنون در مورد ماهیت شر و پرورش یک حافظهٔ جمعی جدید از جنگ بود.

مشخصات کلی اثر

«اندوه» عنوان اثری است که دیمیتری بالترمانتس در سن ۲۰ سالگی، طی جنگ جهانی دوم از مردمانی که در

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-10-09]

تصویر۶. دیمیتری بالترمانتس، اندوه، ۱۹۴۲، منتشر شده در ۱۹۶۰، ترکیبی از چهار عکس چاپ شده نقره‌ای ژلاتینی (URL2).

جست‌وجوی اجساد عزیزان‌شان در کرچ بودند، عکاسی کرده بود. این عکس در سال ۱۹۴۲، با دوربین ۳۵ میلی‌متری لایکا گرفته شده و در ابعاد ۲۹/۵ در ۳۹/۴ سانتی‌متر و به‌صورت چاپ نقره ژلاتین ظهور یافت. با توجه به این‌که نیروهای شوروی بسیاری از عکس‌های جنگ را سانسور می‌کردند، این اثر بالترمانتس پس از ۱۳ سال در ژانویه ۱۹۶۵ برای اولین بار در مجلهٔ مصور اوگونیوک منتشر شد. همان‌طور که پیش از این مطرح شد، عنوان این عکس در اوایل دههٔ ۱۹۶۰ از کایو گاروبا، هنرمند ایتالیایی گرفته شد که اولین بار زمانی که در مسکو به دنبال تصاویری برای برپایی نمایشگاه گسترده‌ای که در مورد جنگ بود، آن را دید (همان). سمت راست تصویر جسد ۶۷ سال‌های به نام کوگان[۳۱] بر روی زمین افتاده که در واقع شوهری است که ترشچنکو (زن کرچی) با صدای اوکراینی در جست‌وجوی او بود. یک تصویر دیگر با توجه به همین تصویر از مجموعه عکس‌های بالترمانتس از این واقعه در کرچ ثبت شده‌است؛ عکسی که به‌صورت چند پنل است و تصویر زن کرچی به نام ایوانوا را در چند قاب نشان

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-10-09]

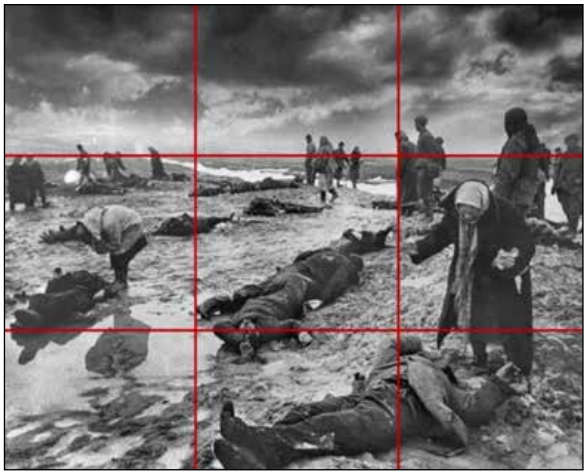
تصویر ۷.

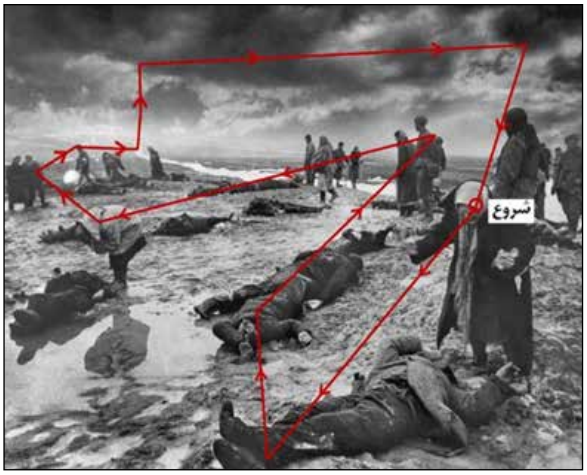

تصویر ۸.

می‌دهد که در تکاپو و جست‌وجوی جسد شوهرش است که توسط جلادان فاشیستی به قتل رسید بود و در قاب چهارم از همان عکس با گریه و فغان، در نهایت جسد همسرش را می‌یابد. صحنهٔ یافتن همسر او در عکس «اندوه» به‌طور کامل از روبه‌رو و نمای لانگ شات[۳۲] نشان داده شده‌است و در دیگر قسمت‌های تصویر، سایر اهالی کرچ و جنازه عزیزان‌شان دیده می‌شود . در این تصویر، هیچ پیشنهادی مبنی بر یهودی بودن شوهر ایوانووا وجود ندارد، اگرچه به احتمال زیاد او یهودی بوده‌است. ویراستاران برای انتشار عکس در سال ۱۹۶۵ تصمیم گرفتند تصویر پنجم (صحنه یافتن جسد همسر ایوانوا) را در نوار نگاتیو منتشر کنند که ایوانووا در حال گریه‌زاری است و بخش کامل آن همان عکس معروف بالترمانتس به نام «اندوه» است (همان).

توصیف و نقد اثر

در عکسی که بالترمانتس تحت عنوان «اندوه» ثبت کرده‌است مردمانی را می‌بینیم که آشفته و گریان به دنبال اجساد عزیزان خود می‌گردند. عکسی که عمقی تا افق را به تصویر کشیده‌است و اجزا و عناصر به مرور در آن محو شده‌اند. در نگاه اول، توجه بیننده به زنی میان‌سال جلب می‌شود که در بخش یک سوم سمت راست کادر و در اولین لایهٔ تصویر قرار دارد و در آستانهٔ زانو زدن بر بالین جسد عزیز خود است. بعد از او، نگاه به سمت جنازه‌ای که پایین پای او به حالتی مورب بر زمینی گل‌آلود آرام گرفته‌است، می‌رود. سپس از قسمت پا، نگاه به سمت جنازه‌های بعدی که در لایهٔ میانی تصویر جای گرفته‌اند، می‌رود. این پیکره‌های بی جان به‌صورت خطی مورب نگاه را به انسان‌های ایستاده‌ای که درواقع خانواده‌های داغدار پیکره‌های بی‌جان افتاده بر زمین هستند و در حالتی سرگردان، نگاه‌شان به سمت چپ تصویر است، هدایت می‌کند و تا عمق تصویر کشیده می‌شود. در نهایت پس از عبور از انسان‌های ایستاده و خوابیده بر زمین، در عقب‌ترین لایهٔ تصویر نگاه در امتداد مسیری رودمانند به افق هدایت می‌شود و در ابرهای تیرهٔ آسمان محو می‌شود. در واقع، نگاه بیننده به این عکس مسیری تقریبا زیگزاگی دارد که از عجز و نالهٔ یک زن ایستاده شروع و با عبور از اجساد و سایر انسان‌های ایستاده در نهایت به افق و آسمان ختم می‌شود. عکس «اندوه» با نمایی لانگ‌شات و در کادری افقی ثبت شده‌است و به‌صورتی حرف‌های از تناسبات طلایی در نشان دادن اجزای تصویر بهره برده‌است. کادر از بالا به پایین، اثر را به سه بخش تقسیم کرده‌است که یک‌سوم بالایی آن توسط خط افق و یک‌سوم پایین آن توسط اجساد بر زمین افتاده و نیز پای زن میان‌سال از هم جدا شده‌است. کادر از راست به چپ نیز تصویر را به سه بخش تبدیل کرده‌است که یک‌سوم سمت راست اثر توسط زن میان‌سال و یک‌سوم چپ اثر توسط لکه آب جمع شده بر زمین مشخص شده‌است.

دو قسمت محیطی کادر از بالا و پایین، تیره‌تر به نمایش درآمده‌است و انسان‌ها و اجساد افتاده بر زمین مانند لکه‌هایی تیره در قسمت‌های مختلف اثر پخش شده‌اند. کل تصویر ضرب‌آهنگ مداوم فرم‌های عمودی، افقی و مورب است که اوج آن در جلویی‌ترین لایهٔ تصویر یعنی پیکرهٔ زن ایستاده و جسد افتاده بر زمین دیده می‌شود

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-10-09]

و این ریتم در تشدید هر چه بیشتر مفاهیمی چون درد، رنج، سرگردانی و آوارگی تاثیر داشته‌است. حرکت نگاه از افراد زنده و ایستاده به اجساد افتاده بر زمین، ضرب‌آهنگ غم‌انگیز و هولناک را می‌آفریند که نوعی حرکت نگاه و ریتم را در این عکس به وجود آورده‌است.

به لحاظ ترکیب‌بندی، این عکس ترکیبی غیرمتقارن و تا حدودی متوازن دارد. اگرچه به نظر می‌آید سمت راست تصویر به لحاظ تجمع بیشتر فرم‌ها و بزرگ‌تربودن آن‌ها کمی سنگین‌تر به چشم بخورد، عکاس با در نظرگرفتن آسمانی از لکه‌های تیره ابر در سراسر قسمت بالایی کادر توانسته است توازن لازم در عکس را ایجاد کند.

دامنه‌های خاکستری در این عکس پرکنتراست است و ما با ترکیبی از سطوح تیره و روشن با لبه‌های تیز با خاکستری‌های میانی محدود مواجه هستیم. این موضوع نیز در شدت بحرانی‌بودن فضا تاثیر داشته‌است. وجود ابرهای تیره و سنگین که شاهدان حاضر بر این واقعه هولناک و اندوه‌بار بوده‌اند که در گذار و حرکت هستند، بر غم و فضای احساسی و هیجانی عکس افزوده‌است. قرارگیری ابرها و آسمان با مشخصات فرمی که ذکر شد تاثیرات به‌سزایی در معنابخشی هر چه بیشتر این عکس داشته‌است. مسیر نگاه مخاطب به‌گونه‌ای است که با عبور از صحنه‌ای هولناک و اندوه‌بار به آسمان منتهی می‌شود و به‌گونه‌ای بر جنبهٔ جدا شدن روح انسان‌های افتاده بر زمین و عروج آن‌ها به آسمان اشاره دارد و نیز با توجه به این‌که در دو سوم پایین تصویر با دامنه‌های خاکستری پرکنتراست و سطوح تیره و روشن مواجه هستیم، در نقطه مقابل آن، آسمان و ابرهایی را در یک سوم بالای تصویر می‌بینیم که بیشترین دامنه‌های خاکستری و محوشدگی‌ها را دارد و در تضادی کامل با دو سوم پایین تصویر به لحاظ تیرگی و روشنی‌ها و نوع فرم‌ها، از شدت و تندی کل اثر در این قسمت فروکش کرده‌است و به جنبه‌های معنوی و روحانی آن افزوده‌است.

نکتهٔ جالب توجه این است که تیرگی این ابرها به‌صورتی اتفاقی در جریان ظهور عکس اتفاق افتاد چراکه بالترمانتس در مصاحبه‌ای توضیح داد: «آسمان را پر کردم. اما من این کار را برای جلوه زیبایی‌شناختی انجام ندادم، بلکه فقط به دلیل لکه‌های چسب است» هنگامی که او در حال توسعهٔ فیلم در نزدیکی کرچ بود، ظاهراً لکه‌های چسب به برخی از کاغذهای چاپ عکس چسبیده بود. وقتی آن‌ها را از هم جدا کرد، متوجه شد که در یک نوردهی لکه‌هایی باقی‌مانده است و البته نوردهی که او از همه بیشتر دوست داشت و عکسی را که معروف‌ترین عکس او شد، رقم زد (شنیر، ۲۰۱۰: ۴۲-۴۴).

سوگ برای فقدان و مرگ عزیز حاصل از رنجی عمیق است که انسان‌ها همواره در زندگی خود تجربه می‌کنند و این خود موضوعی است قابل توجه که در جان بیننده می‌نشیند و اثری عمیق بر روان او می‌گذارد. لذا موضوعاتی چون سوگ و عزاداری، گریه، فغان و جنگ و... از آن دست موضوعاتی هستند که به تنهایی و در ذات خود با اعماق وجودی انسان ارتباط می‌گیرند و با او سخن می‌گویند و بیننده را با خود همراه می‌کنند. در نتیجه این خود امتیاز مثبتی است در جهت موفقیت این عکس، خصوصا هنگامی که چنین محتوایی غنی در ضرب‌آهنگی از فرم‌های عمودی و افقی و مورب که در افراد زنده و جنازه‌های بر زمین افتاده در این عکس جای گرفته باشد و نیز حرکتی از ابرهای تیره و محوشدگی فرم‌ها در آسمان در جهت روحانی‌ترکردن فضای اثر و در نهایت، سیاه و سفید بودن و خالی بودن آن از رنگ، اثرگذاری این تصویر را بیش از یک موضوع اندوه‌ناک محض کرده و در انتقال این مفاهیم با توجه به آن‌که از عنوان این عکس پیداست، اثری موفق بوده‌است.

نتیجه‌گیری

دیمیتری بالترمانتس از عکاسان روسی است که با عکس‌هایی که در طول جنگ ثبت کرد، در ارایهٔ گزارشی مصور و زنده از وقایع جنگ و اوضاع مردم در آن زمان نقش به‌سزایی داشت. او همواره در جنگ شرکت داشت و در اوکراین، لهستان و آلمان جنگید و برخی از مهم‌ترین نقاط عطف جنگ را با عکس‌هایش به ثبت رساند؛ از جمله شکست آلمان در نزدیکی مسکو، دفاع از سواستوپل ، نبرد استالینگراد و آزادسازی جنوب اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی. مشهورترین عکس‌های او در کرچ کریمه

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-10-09]

ساخته شد که در آن هزاران نفر به قتل رسیدند. عکس‌های او علاوه بر اهمیت تاریخی و مستندنگاری که دارند، از نظر هنری نیز حائز اهمیت هستند. محوشدگی برخی عناصر تصویری در عکس و فرو رفتن شخصیت‌ها در دود و غبار، کنتراست تیرگی و روشنی و حرکت و ریتم از ویژگی‌های بصری عکس‌های بالترمانتس است. او هم‌چنین با روشن یا تیره کردن نگاتیوها، برش دادن تصاویر و افزودن یا کم کردن جزییات برای جذاب‌تر کردن عکس بهره می‌گرفت. او پس از جنگ، شروع به همکاری با نشریهٔ مصور در روسیه به نام اوگونیوک به‌عنوان عکاس خبری (فتوژورنالیست) کرد و از همین جا نام او کاملا شناخت شد. بالترمانتس هم‌چنین طی همکاری خود با دولت در طول این سال‌ها از همهٔ رهبران شوروی از استالین گرفته تا گورباچوف عکاسی کرد. عکس‌های او نه تنها تاریخی مصور از روسیه در دوران جنگ و بعد از آن است، بلکه همواره شواهدی زنده از خواسته‌های اجتماعی، سیاسی و رویاهای یک ملت است. «اندوه» معروف‌ترین عکس بالترمانتس است که ۲۳ سال پس از جنگ در سال ۱۹۶۵ منتشر شد و شهرت جهانی یافت و با توجه به ضرب‌آهنگ فرم‌های متضاد در عکس، حرکتی از ابرهای تیره، سیاه و سفید بودن و خالی بودن آن از رنگ، اثرگذاری این تصویر را بیش از یک موضوع اندوه‌ناک محض کرده و در انتقال این مفاهیم با توجه به آن‌که از عنوان این عکس پیداست، اثری موفق در انتقال غم و سوگ مردمانی که به دنبال جنازه‌های عزیزان خود هستند و نیز مصداقی ملموس از ظلم و شر بوده‌است.

پی‌نوشت‌ها

1. Dmitry Baltermants

۲. Kerch شهری پر اهمیت به لحاظ منطقه‌ای در شبه‌جزیره کرچ در شرق کریمه است.

3. Grigory Stolovitski

4. Nikolai Baltermants

۵. Izvestia یک روزنامه پرتیراژ در روسیه که این روزنامه دولتی از تریبون‌های اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از سال ۱۹۱۷ آغاز به کار کرد و تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ به کار ادامه داد.

6. Stalingrad

۷. Battle of Sevastopolنبرد سواستوپول یا محاصره سواستوپول یا دفاع سواستوپول، نبردی در جبهه شرقی جنگ جهانی دوم میان نیروهای محور و شوروی بر سر شهر سواستوپول در شبه‌جزیره کریمه بود که در پایان پس از یک محاصره هشت‌ماهه، سواستوپول روز ۴ ژوئیه سال ۱۹۴۲ به تصرف مهاجمان درآمد.

۸. Battle of Stalingrad نبرد استالینگراد (۱۲ سپتامبر ۱۹۴۲ - ۲ فوریه ۱۹۴۳) یکی از طولانی‌ترین، مهلک‌ترین و سرنوشت سازترین نبردهای جبهه شرقی جنگ جهانی دوم که در این نبرد نیروهای ورماخت و متحدانش که در جریان تهاجم آلمان به شوروی، به منظور سلطه بر شهر استالینگراد در کرانه رود ولگا، به آن یورش برده بودند، پس از چندین ماه درگیری خونین، با ضد حمله ارتش سرخ به محاصره درآمدند تا در نهایت روز ۳ فوریه سال ۱۹۴۳ میلادی شکست خورده و فیلدمارشال فریدریش پائولوس، فرمانده ارتش ششم ورماخت به همراه ۲۵۰۰ افسر عالی‌رتبه از جمله ۲۴ ژنرال و بیش از ۱۰۰ هزار نفر دیگر تسلیم ارتش سرخ شدند.

9. Max Alpert

10. Boris Kudojarov

11. Mikhail Trakhman

12. Leica Minilux 35mm

۱۳. Attack (۱۹۴۱)، سربازان شوروی را در حال نبرد در سنگر ها را نشان می‌دهد.

۱۴. War_time Road (۱۹۴۱)، یکی از سربازان ارتش سرخ را نشان می‌دهد که در شش ماه اول جنگ کشته شد.

15. Grief

۱۶. Ogonyok از قدیمی‌ترین مجله‌های مصور هفتگی در روسیه.

۱۷. Joseph Vissarionovich Stalin، سیاست‌مدار، نظریه‌پرداز سیاسی شوروی بود که از سال ۱۹۲۴ تا زمان مرگش در سال ۱۹۵۳ رهبری اتحاد جماهیر شوروی را بر عهده داشت.

۱۸. Nikita Sergeyevich Khrushchev، سیاست‌مدار اهل شوروی بود که در طی بخشی از جنگ سرد، رهبری اتحاد جماهیر شوروی را به‌عنوان دبیر اول حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۴ بر عهده داشت.

۱۹. Mikhail Sergeyevich Gorbachev، سیاست‌مدار اهل شوروی و هشتمین و آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی.

20. Arthure Rothstein

21. Forward,1943

22. staged photography

23. Crossing the oder

۲۴. The Holocaust (۱۹۴۵_۱۹۳۳م)، ادعای کشتار دسته‌جمعی، همه‌سوزی و نسل‌کشی یهودیان توسط حزب نازی.

25. Ilya Ehrenburg

26. Russia At War

27. Resudents of kerch search for their relatives. ogonek, March2 (1942).

28.we will not forget

29.Ivanova

۳۰. Caio Mario Garrubba(۲۰۱۵_۱۹۲۳م)، از بزرگ‌ترین نمایندگان عکاسی خبری ایتالیایی در قرن بیستم.

۳۱. Kogan کوگان با صدای یهودی به معنای کوهن؛ کوهن واژه عبری است به معنای روحانی یا آخوند که واژه کاهن در زبان فارسی و عربی از آن گرفته شده‌است.

32.Long shot

فهرست منابع

الف/ فارسی

Shneer, David, (2010), "Picturing Grief: Soviet Holocaust Photography at the Intersection of History and Memory", Oxford Journals, 115, 28_52.

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-10-09]

ب/ پایگاه‌های اینترنتی

URL 1 : https://www.getty.edu/art/collection/person/103KDJ
URL 2 : https://www.nailyaalexandergallery.com/1920s-1930s/dmitri-baltermants
URL 3 : https://chiilick.com
URL 4 : https://www.atlasgallery.com/artists/dimitri-baltermants
URL 5 : https://defapress.ir/fa/news/128257/%D8%AA%D8%A7%D8%B1%D9%8A%D8%AE%DA%86%D9%87-%D9%8A%D8%B9%DA%A9%D8%A7%D8%B3%D9%8A-%D8%AC%D9%86%DA%AF-%D8%AF%D8%B1-%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86-4
URL 6 : https://www.icp.org/browse/archive/objects/from-a-day-of-grief-kerch-crimea

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-10-09]

دیمیتری بالترمانتس / Dmitry Baltermants

مطالعات عالی هنر

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-10-09]

Analysis of the photo “Grief” by Dimitri Baltermants

Maryam Sadat Mirhasani
Mater 2 of Illustration, Faculty of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Received 15 Juillet 2023, Accepted 02 Mars 2024)

Abstract
Russian photographers were one of the most active photographers in the field of photojournalism during World War I and II, whose recorded photos played a significant role in presenting a vivid and illustrated report of the war events and the conditions of the people at that time. One of these photographers is Dmitry Baltermants, a prominent Soviet photojournalist whose photographs have depicted the lives of ordinary Russian people for more than 50 years. Baltermants, whose life has always been parallel to war, this fact has formed the main subject of his photos. He was involved in the war and fought in Ukraine, Poland and Germany and captured some of the most important milestones of the war with his photographs. “Grief” is Baltermants’ most famous photo, published 23 years after the war and became world-famous in 1965, reporting the mourning of people looking for the bodies of their loved ones. This article, passing on the life and situation of Baltermants, reviews and analyzes his most famous picture, “Grief”.

Keywords
photojournalism, world war, Dimitri Baltermants, Grief.

[Downloaded from art-studies.ir on 2026-10-09]